

سایه سرو (مقالاتی در بزرگداشت استاد احمد مهدوی دامغانی) / به اهتمام میثم کرمی
۸۸۵ ص، تهران، حکمت، چاپ اول ۱۳۹۱ ش / ۱۴۳۳ ق
شابک: 978-964-244-087-0
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
مهدوی دامغانی، احمد، ۱۳۰۵ - یادنامه‌ها
مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ س / PIR۴۲۸۷
رده‌بندی دیویی: ۸۴۴/۶۲۰۸ فا
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۸۶۹۷۷۹



ادبیات ۷



سایه سرو



(مقالاتی در بزرگداشت استاد احمد مهدوی دامغانی)
به اهتمام میثم کرمی



کتابخانه ملی

مؤسسه انتشارات حکمت
سایه سرو (مقالاتی در بزرگداشت استاد احمد مهدوی دامغانی)
به اهتمام میثم کرمی

چاپ اول ۱۳۹۳ ش / ۱۴۳۵ ق / ۵۰۰ نسخه / ۷۰۰۰۰ تومان
حروفچینی و صفحه آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت
چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور
تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴، کدپستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴
سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۶۶۹۵۰۹۸۷

تلفن: ۶۶۴۱۵۸۷۹۶۶۴۶۱۲۹۲ / شماره: ۶۶۴۰۶۵۰۵

www.hekmat-ins.com

info@hekmat-ins.com

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)



فهرست

۱۱	یادداشت
۱۵	سالشمار زندگی و آثار استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی / میثم کرمی
۲۵	شادباش و دیرزی استاد علامه / بهاءالدین خرمشاهی
۲۷	نقد و بازبینی منشور وحدت اسلامی - بررسی برنامه‌های احیاگران و «تقریب» / محمدعلی آذرشب
۳۷	احوال زنان شاعر برگرفته از عرفات‌العاشقین / سیدعلی آل‌داود
۵۵	نگاهی زبان‌شناختی و دستوری در شاهنامه / حسن احمدی‌گیوی
۶۳	گفتار در باب علم‌انساب / پرویز اذکابی (سپستان)
۷۹	عشق و حافظ / محمدعلی اسلامی ندوشن
۸۵	کتاب چرا ایرانیان شیعه شدند / احمد اقتداری
۹۱	ابیات گرشاسپ‌نامه در نسخه خطی تاج‌المآثر مورخ ۶۹۴ ق / محمود امیدسالار
۱۰۳	پسرک یک‌لایبا با دوگردن‌آویز بی‌همال / رضا انزابی‌نژاد
۱۰۹	چند نکته در احوال و منابع فکری و آرا و آثار شیخ اشراق / قاسم انصاری
۱۱۹	خریده / حمید ایزدپناه
۱۲۵	قطعه‌های سعدی / ادیب برومند
۱۳۳	شاه‌اسماعیل دوم و سیاست مذهبی او / منوچهر پارسادوست
۱۵۷	سندی تازه در باب ارتباط میان تشیع و تصوف / نصرالله پورجوادی
۱۶۵	در بزم حکمت و عرفان مثنوی / اکبر ثبوت
۱۷۵	تصویرآفرینی در نهج‌البلاغه / سیدمحمد مهدی جعفری
۱۸۹	متن رساله کانی‌شناسی / یعقوب‌بن اسحاق کندی / ترجمه غلامرضا جمشیدنژاد اول
۱۹۳	کاربرد عبارات عربی (قول، حدیث، آیه و شعر) در متن تاریخ بیهقی با سبکی نو / عزیزالله جوینی
۱۹۹	رشمه‌ای از نی‌نامه جامی / اسماعیل حاکمی والا

- ۲۰۵ گلگشتی در مکتوبات مولانا / غلامعلی حداد عادل
- ۲۲۵ بحثی درباره کتاب مقامات حمیدی / غلامرضا ستوده / احمد حسنی کندسر
- ۲۳۳ آیین فتوت و جوانمردی در حدیقه سنایی در بررسی مأخذ حکایتی از حدیقه / مریم حسینی
- ۲۳۹ نکته‌هایی در تفسیر آیه «نور» / علی اصغر حلبی
- ۲۴۷ پروژه عکس برداری از نسخه‌های خطی کتابخانه یمن / سیدمحمدصادق خرازی
- ۲۵۵ لآفتیسیم (قسم می خورم / قسم نمی خورم؟) / بهاءالدین خرمشاهی
- کلمات قصار از پیشوای مردم پرهیزگار حیدر کرار در جامه ابیات آبدار از حبیب‌الله قاجار / سیدمحمد
- ۲۷۳ دبیرسیاقی
- ۲۷۷ متنبنی و سیف الدوله / علیرضا ذکاوتی قراگزلو
- بررسی جایگاه‌شناسانه حافظ و مولوی از طریق بررسی موقعیت‌ها و مقایسه برخی اندیشه‌های مشترک /
- ۲۸۹ محمدرضا راشد محصل
- ۳۰۳ نظامی عروضی و داستان بی‌مقدار او درباره فردوسی و سلطان محمود غزنوی / پرویز رجبی
- ۳۱۹ شوریده شیرازی / منصور رستگار فسایی
- ۳۴۱ فواید زبانی و لغوی طرب‌المجالس / عبدالمحمد روح‌بخشان
- ۳۴۹ بررسی المخلاة شیخ بهاءالدین عاملی / علی اکبر زمانی نژاد
- ۳۷۷ اقبال و گوته: پلی میان شرق و غرب / محمدحسین ساکت
- ۳۹۳ بندر آبسون و جزیره آبسکون / منوچهر ستوده
- ۴۰۱ فتوح الشام اثر عبدالله بن محمد بن ربیعہ القُدَامی / مایکل لکر / ترجمه صادق سجادی
- ۴۰۹ زندگانی میرزا تقی وزیر اعظم / ویلم فلور / ترجمه ابوالقاسم سزّی
- ۴۴۱ دیدرو و عصر روشنگری / احمد سمعی (گیلانی)
- ۴۵۳ بیاض تاج‌الدین احمد وزیر / ناصرالدین شاه‌حسینی
- ۴۵۷ ایرانیان و هجوم لغات و ترکیبات عربی به زبان فارسی / محمدجواد شریعت
- ۴۶۳ مفاوضات صدرالدین قونوی و خواجه نصیرالدین طوسی / علی صدراپی خوبی
- ده حکایت مسأله اول چهارمقاله عروضی بر مبنای کتاب دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب / محمود
- ۴۷۳ طاووسی
- ۴۹۱ تصحیح نسمة السحر / علی طباطبایی یزدی
- ۴۹۹ قصر - حصر / سیدحمید طیبیان
- ۵۱۵ نکته‌هایی از بلاغت کوتاه‌ترین سوره قرآن مجید / محمد علوی مقدم
- ۵۲۷ بحثی در باب شیوه نویسندگی عزیزالدین نسفی / محمد غلامرضایی
- ۵۴۳ مختصر اشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت / محمود فاضل (یزدی مطلق)
- ۵۵۵ محاسن الکلام و ترجمان البلاغه و حدائق السحر / محمد فشارکی
- ۵۶۱ آتشکده شهر اردشیر واقع در جی قدیم / حسین قرچانلو
- ۵۶۹ فوایدی از بدایع الوقایع / ابراهیم قیصری

۵۸۷	از مَنْتَره تا مَنْتَر / میرجلال‌الدین کزازی	
۵۹۳	هنر و منبع الهام هنری مولانا جلال‌الدین / مجدالدین کیوانی	
۶۰۹	عزیز نسفی و بحث ماهیت و وجود / هرمان لندولت / ترجمه حسن لاهوتی	
۶۱۹	ماهیت حقوقی اجاره: تملیکی یا عهده‌ی؟ / سیدمصطفی محقق داماد	
۶۳۳	تعریف بهار / آقاحسین خوانساری / تصحیح سیدمحسن ناجی نصرآبادی	
۶۳۷	خاندان رازی، تاریخ‌نگاران ایرانی تبار در مغرب اسلامی / عبدالله ناصری طاهری	
۶۴۵	تثلیث بی‌تخلیط جلوه‌ای از هویت ایرانی / محمدیوسف نیری	
۶۶۱	دو سند تاریخی / سیف‌الله وحیدنیا	
۶۶۷	ابن‌المقفع / حسین علی جمعه	
۶۹۵	تجربیدالاعتقاد / خواجه نصیرالدین طوسی / تصحیح نجفقلی حبیبی	
۷۲۵	مُعْجَمُ ألقابِ بُیُوتاتِ الطَّالِبِیِّینِ فی کتابِ المَجدِیِّ / السیدعبدالستار الحسنی	
۷۸۷	«التقیة» فی ثقافة المسلمین / السیدمحمدرضا الحسنی الجلالی	
۸۰۳	الإمام ابن‌حزم و رأیه فی إسلام الفرس / رضا المختاری	
	The Legacy of Sohrawardi in the West / Mehdi Aminrazavi	1
	Angels in al-Futūhāt al-Makkīyya / William C. Chittick	15
	Pluralism and Islamic Traditions of Sectarian Divisions / Roy P. Mottahedeh	25
	The Face of Zarathustra in the Mirror of the Gatha / S.M. Torabi	37
	Philosophy of Illumination and Some Comparative Remarks / Hossein Ziai	47



یادداشت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ (ص) وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ
میراث معنوی مردم این سرزمین، یعنی فرهنگ ایران زمین را در طول قرن‌ها گروهی از صاحبان
فکر و اندیشه و دانشمندان به وجود آورده‌اند و در رشد و تعالی آن، یکایک آحاد آن بزرگان سهم
داشته‌اند، و در هر دورانی افرادی بوده‌اند که تمام دقایق عمر شریفشان برای اعتلای فرهنگ
لایزال ایران زمین صرف شده است.

در این دوران، یکی از نادره کاران علم و دانش، حضرت استاد علامه دکتر احمد مهدوی
دامغانی (حفظ الله تعالی) است که بیش از شصت سال نگاهبان کاخ رفیع زبان و ادب فارسی و
تاریخ و تمدن ایران و اسلام بوده و تمام عمر شریف خود را صرف اندیشیدن به فرهنگ ایران و
اسلام و تعالی نام بزرگ آن کرده است.

در سال ۱۳۰۵ش در مشهد مقدس به دنیا آمد. خاندان ایشان شریف همه از خدمتگزاران دین
و علم بوده و حاصل آن تربیت خانوادگی، دانشمند بزرگی را به وجود آورد که عالی‌ترین مراتب
علمی حوزوی و دانشگاهی را طی کرد. بیش از دو دهه استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی
و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود و امروز نیز در دانشگاه هاروارد در دوره فوق
دکتری به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی و فقه و کلام اشتغال دارند. در یک کلام استاد
بسیار دانی بی‌همتای ما در جهان پژوهش‌های ایرانی و اسلامی یکی از نوابغ قرون و اعصارند.

ای آفتاب عالم! بسی روزها بتاب ای سایه‌های! بسی سال‌ها بمان

«سایه سرو» - این دفتر ایران‌شناسی - جشن‌نامه‌ایست که از سوی تنی چند از دوستان و

دوستان آن یگانه روزگار به مناسبت آغاز هشتاد و ششمین سال زندگی ایشان به کوشش این کمترین چاپ شده است.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از تک‌تک استادان و بزرگوارانی که دعوت صادقانه بنده کمترین را پاسخ عالمانه گفتند و با راهنمایی‌ها و همکاری قلمی خود بر رونق این مجموعه افزودند سپاسگزار می‌کنم. ابتدا از حضرت استاد دانشمند جناب آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی نهایت سپاس را دارم. اگر ایشان بنده حقیر را شایسته انجام این مهم نمی‌دانستند و اگر شاگردنوازانه و پدران، پیشنهاد تدوین این مجموعه را به بنده نمی‌دادند و اگر در تمام مراحل گردآوری این دفتر عشق بر تلاش‌های این کمتر و کوچک‌ترین ارادتمند خود نظارت نمی‌کردند، امروز نه تنها کیفیت علمی این کتاب در این حد نبود، بلکه این توفیق الهی نصیب نمی‌شد و امیدوارم در این آزمون بزرگ، نزد آن یگانه مشرق‌زمین روسفید و سربلند باشم. تشکر می‌کنم از دوست دانشمندم جناب آقای دکتر محمدحسین ساکت که پیشنهاد نام کتاب از سوی ایشان بود و سپاس ویژه دارم از آقایان دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد، دکتر مهدی محقق، دکتر محمدعلی آذرشب، دکتر محمود امیدسالار، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، دکتر سعید واعظ، دکتر محمود مهدوی دامغانی و مدیریت محترم انتشارات حکمت و اصحابشان که کتاب را به بهترین کیفیت و به نحوی دلپذیر چاپ کردند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

میشم کرمی

خرم‌دره - ۲۶ خردادماه ۱۳۹۰ / ۱۳ رجب ۱۴۳۲

سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)

سالشمار زندگی و آثار استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی

میثم کرمی

سال‌های زندگی

۱۳۰۵	۱۳ شهریور برابر با هفتم صفر ۱۳۴۵ ق تولد در مشهد، نام پدر حضرت آیت‌الله محمدکاظم مهدوی دامغانی و نام مادر صدیقه مهدوی دامغانی
۱۳۱۰	آغاز به یادگیری قرآن مجید
۱۳۱۱	فراگیری کل قرآن مجید
۱۳۱۶	پایان دوره دبستان (فرخی مشهد) و آغاز دبیرستان (ابن‌یمین مشهد)
۱۳۲۴	هجرت به تهران
۱۳۲۴	آغاز تحصیل در دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران
۱۳۲۷	اخذ لیسانس از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران
۱۳۲۷	سال ازدواج
۱۳۲۸	تولد اولین فرزند، مرتضی
۱۳۲۸	آغاز تحصیل در دوره لیسانس ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
۱۳۳۱	تولد دومین فرزند، زهرا
۱۳۳۴	اخذ لیسانس ادبیات فارسی
۱۳۳۴	ورود به دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران
۱۳۳۹	دریافت اجازه‌نامه روایت حدیث از حضرت آیت‌الله شیخ محمدباقر آیت‌الله‌زاده مازندرانی (ره)

- ۱۳۴۲ دفاع از پایان‌نامه دکتری با عنوان «تصحیح کشف‌الحقایق عزیز نسفی» با راهنمایی استاد محمدتقی مدرس رضوی
- ۱۳۴۲ تولد سومین فرزند، فریده
- ۱۳۴۲-۱۳۶۴ تدریس در دانشکده هیات و معارف اسلامی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران - دوره فوق لیسانس و دکتری
- ۱۳۵۰ دریافت اجازه‌نامه روایت حدیث از حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد صالح علامه حائری سمنانی (ره)
- ۱۳۵۶ دریافت اجازه‌نامه تدریس در سطوح عالی زبان و ادبیات عرب از استاد عبدالحمید بدیع‌الزمانی کردستانی (ره)
- ۱۳۵۸ دریافت اجازه‌نامه روایت حدیث از حضرت آیت‌الله محمد کاظم مهدوی دامغانی (ره)
- ۱۳۶۰ ۹ تیر برابر ۲۷ شعبان ۱۴۰۱ ق فوت پدر
- ۱۳۶۲-۱۳۶۴ تدریس در دانشگاه تربیت مدرس (دوره فوق لیسانس و دکتری)
- ۱۳۶۳ ازدواج با دکتر تاجماه آصفی شیرازی (مهدوی دامغانی)
- ۱۳۶۴ آبان ماه مهاجرت به آمریکا
- ۱۳۶۵-۱۳۷۳ تدریس در دانشگاه پنسیلوانیا (دوره فوق لیسانس و دکتری)
- ۱۳۶۶ تدریس در دانشگاه هاروارد (دوره دکتری و فوق دکتری)
- ۱۳۶۷ دریافت اجازه‌نامه روایت حدیث از حضرت آیت‌الله العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره)
- ۱۳۶۸ ۱۹ مرداد ماه برابر ۱۳ محرم ۱۴۱۰ ق فوت مادر
- ۱۳۶۹ دی ماه سفر به ایران برای شرکت در هزاره فردوسی
- ۱۳۶۹ پس از بازگشت به آمریکا تا به امروز در دوره دکتری و فوق دکتری دانشگاه هاروارد مشغول به تدریس زبان و ادبیات عرب و فقه و کلام اسلامی هستند - در کنفرانس‌های مختلف مربوطه در کشورهای عربی و اروپایی با دعوت رسمی گاهاً شرکت می‌کنند.
- ۱۳۸۸ آخرین سفر عمره
- ۱۳۹۰ مشاور عالی نشر نسخه (کانون نسخه‌برگردان مخطوطات ایرانی و اسلامی)

فهرست آثار و نوشته‌ها

الف. کتاب‌ها

- ۱۳۴۴ تصحیح و تحشیه کشف‌الحقایق عزیز نسفی (پایان‌نامه دکتری)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۴
- ۱۳۶۹ تصحیح و تحشیه‌المجدی فی انساب الطالبین ابوالحسن علی‌بن محمد علوی عمری، کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، همان ناشر، ۱۳۸۰
- ۱۳۷۵ در باغ روشنایی (گزیده حدیقه‌الحقیقه سنایی غزنوی)، انتخاب و توضیح، انتشارات سخن، چاپ دوم، همان ناشر، ۱۳۸۰
- ۱۳۷۹ گزیده‌ای از شعر سعدی شیرازی به زبان عربی، نشر بین‌المللی الهدی
- ۱۳۸۰ تصحیح و تحشیه نسمة‌السحر بذکر من تشیع و شعر یوسف بن یحیی صنعانی، انتشارات وزارت امور خارجه، جلد اول، ۱۳۸۰، جلد دوم، ۱۳۸۴، جلد سوم، زیر چاپ
- ۱۳۸۱ حاصل اوقات (گزیده مقالات) به‌اهتمام سیدعلی محمد سجادی، انتشارات سروش
- ۱۳۸۳ مقالاتی در حدیث دیگران به‌اهتمام فریده مهدوی دامغانی، نشر تیر
- ۱۳۸۶ صوبانامه اغلاط چاپی مجلدات ده‌گانه تفسیر شریف کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار به‌اهتمام سعید واعظ، میراث مکتوب، ضمیمه ۱۳ آئینه میراث.
- ۱۳۸۶ رساله درباره خضر، کتاب مرجع
- ۱۳۸۸ شاهدخت والا تبار شهربانو والده معظمه حضرت امام علی‌بن‌الحسین (السجاد ع)، میراث مکتوب، ضمیمه ۱۶ آئینه میراث.
- ۱۳۹۰ قطره‌های باران و یاد یاران (مجموعه مقالات)، به‌اهتمام سعید واعظ و سیدعلی محمد سجادی، نشر علم و دانش

ب. مقالات

- ۱۳۴۰ یادی از مرحوم قزوینی / یغما ۱۴: صص ۴۶۱-۴۶۵
- ۱۳۴۱ «اماصحای تازی / یغما ۱۵: صص ۲۱-۳۰
- ایوان مدائن از دیوان بحتری / یغما ۱۵: صص ۲۱-۳۰

- یادداشت‌هایی دربارهٔ ابیات عربی کلیلهٔ بهرامشاهی و مآخذ و گویندگان آن
 ابیات / یغما ۱۵: صص ۲۲۶-۲۲۹ / صص ۳۲۳-۳۲۵ / صص ۳۶۵-۳۶۶ /
 صص ۴۱۹-۴۲۲ / صص ۴۳۳-۴۴۶ / صص ۴۹۷-۴۹۹ / صص ۵۵۳-۵۵۶
 ۱۳۴۲ ادامهٔ یادداشت‌هایی دربارهٔ ابیات عربی کلیلهٔ بهرامشاهی و مآخذ و گویندگان آن
 ابیات / یغما ۱۶: صص ۷۰-۷۲ / صص ۲۲۸-۲۳۰ / صص ۲۵۲-۲۵۵ /
 صص ۳۵۰-۳۵۲ / صص ۴۰۷-۴۰۹ / صص ۵۴۰-۵۴۳
 چاپ جدید درهٔ نادره، به‌اهتمام سیدجعفر شهیدی / یغما ۱۶: صص ۹۲-۸۸
 نظری به عدد ۷۳ در حدیث تفرقه / یغما: صص ۲۰۹-۲۱۲ ۱۳۴۳
 نسب بنی‌امیه / یغما ۱۸: صص ۴۴۱-۴۴۳ ۱۳۴۴
 مآخذ ابیات عربی در مرزبان‌نامه / یغما ۱۸: صص ۲۹۷-۲۹۹ /
 صص ۳۴۶-۳۴۹ / صص ۴۰۱-۴۰۳ / صص ۴۷۵-۴۷۸ / صص ۵۳۴-۵۳۶ /
 صص ۶۴۴-۶۴۷
 ادامهٔ مآخذ ابیات عربی در مرزبان‌نامه / یغما ۱۹: صص ۳۴-۳۶ / صص ۸۳-۸۶ /
 صص ۱۸۶-۱۸۹ / صص ۲۵۰-۲۵۳ / صص ۴۰۲-۴۰۴ / صص ۴۶۰-۴۶۳ /
 صص ۵۷۹-۵۸۱
 ادامهٔ مآخذ ابیات عربی مرزبان‌نامه / یغما ۲۰: صص ۸۳-۸۵ / صص ۵۲۸-۵۳۲ /
 / صص ۶۰۰-۶۰۳
 ادامهٔ مآخذ ابیات عربی مرزبان‌نامه / یغما ۲۱: صص ۱۸-۲۰ ۱۳۴۷
 مستند اشعار رسالهٔ قشیریه / مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، ج ۲۲-ش
 ۱: صص ۱۶۷-۱۸۶ ۱۳۵۴
 لزوم معرفی مبادی و اصول انسانی و اخلاقی ادبیات فارسی /
 همایی‌نامه: صص ۱۷۳-۱۸۶ ۱۳۵۵
 وفات استاد عبدالحمید بدیع‌الزمانی / مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، ج
 ۲۴، ش ۱ و ۲: پ ۱۳۵۶
 ادبیات عرب و مینوی / پانزده گفتار دربارهٔ مجتبی مینوی: صص ۷۰-۸۰
 ازدواج امیرالمؤمنین با فاطمه زهرا علیهاالسلام / آرام‌نامه (جشن‌نامهٔ استاد
 احمد آرام): صص ۵۱-۵۶
 یادداشت‌هایی بر کلیله و دمنه به تصحیح مینوی / نشر دانش ۸: صص ۲۵۸-۲۶۷ ۱۳۶۶-۱۳۶۷

- ۱۳۶۷ نخستین عضو ایرانی مجمع آسیایی فرانسه (محمداسماعیل خان شیرازی) / نشر دانش ۸: ص ۵۳۲
- درباره علوم اسلامی، هنر اسلامی / ایران نامه ۷: صص ۳۷۷-۳۷۸
- ۱۳۶۸ درباره نقد کتاب شرح و شعر نوشته دو براون از حشمت مؤید / ایران شناسی ۱: صص ۶۲۳-۶۲۶
- درباره مقاله «تأملی در کلیدر» (نقد حشمت مؤید) / ایران نامه ۸: صص ۱۶۷-۱۷۴
- ۱۳۶۹ گفتگو درباره فردوس / خامدان، س ۱، ش ۳ و ۴: صص ۷۱-۷۴
- گلستان سعدی به تصحیح یوسفی / کیهان فرهنگی، س ۷، ش ۱: صص ۲۸-۲۹
- ۱۳۷۰ مصاحبه / کیهان فرهنگی، س ۸، ش ۸: صص ۱۰-۱۳
- مضامین و تعبیرات و اشعار عربی سعدی / ایران شناسی ۳: صص ۲۸-۴۰
- ۱۳۷۱ ابونواس / هفتاد مقاله ۲ (جشن نامه دکتر غلامحسین صدیقی): صص ۶۳۹-۶۷۶
- یادداشت‌هایی بر کتاب ادب الملوک فی بیان حقائق التصوف [چاپ برند رانکه] / نشر دانش ۱۲: ص ۳۲۱
- سهم ایرانیان در ادب صوفیانه عرب از نثر و نظم / ایران نامه ۱۱: صص ۱۷-۳۲
- ۱۳۷۲ نامه‌ای از مرحوم دکتر قاسم غنی به «استاد و پیر معظم و شیخش» در مشهد درباره دکتر شیخ حسن عاملی / ایران شناسی ۵: صص ۷۲۹-۷۴۴
- تجلیات قرآن مجید و احادیث شریف در شاهنامه / گلچرخ ۷: صص ۶-۱۳
- مذهب فردوسی / ایران شناسی ۵: صص ۲۰-۵۳
- مذهب فردوسی / گلچرخ ۸ و ۹: صص ۴-۱۶
- ۱۳۷۳ مروری بر تاریخ‌های ادبیات عربی و فارسی / ایران شناسی ۶: صص ۲۳۰-۲۷۰
- دهمین سالگرد درگذشت امیری فیروزکوهی / ایران شناسی ۶: صص ۵۱۰-۵۲۱
- چهل و دو یادداشت درباره ادبیات حافظ / پژوهش‌های ایران شناسی ۸ (نامواره دکتر محمود افشار): صص ۴۷۷۳-۴۸۰۵
- به یاد استاد عبدالحمید بدیع‌الزمانی / کلک ۵۵ و ۵۶: صص ۳۶۳-۳۸۱
- به یاد استاد زریاب خوبی / کلک ۵۸ و ۵۹: صص ۲۹۳-۲۹۶
- سهم ایرانیان در ادب صوفیانه عرب از نظم و نثر / نامه کریمان: صص ۲۰۲-۲۱۹
- ۱۳۷۴ یادداشت‌هایی بر تاریخ بیهقی / نامه شهیدی: صص ۵۶۰-۵۸۱

- حدیث عشق در شرق [از ژان کلود واره، ترجمه جواد حدیدی] // ایران‌شناسی ۷: صص ۶۳۰-۶۳۹.
- عطار وصف‌کننده ماهر زیبایی / عطارنامه، لوس‌آنجلس، صص ۵۲-۶۲
- در رسای ادیب نامدار دکتر محمدجعفر محبوب / ره‌آورد ۴: صص ۳۵۸-۳۵۶
- درگذشت دکتر محبوب / کلک ۷۱ و ۷۲: صص ۵۷۴-۵۸۳.
- یادی از گذشته (بیشتر درباره کتاب فروشان) / کلک ۶۷-۶۹: صص ۷۷۳-۷۸۲
- کلک ۶۷-۶۹: صص ۷۷۳-۷۸۲
- علامه بدیع‌الزمان فروزانفر / کلک ش ۷۳-۷۵: صص ۲۳۲-۲۶۵
- افسانه قرآن شیعه و حیل‌های تازه / کلک ۸۰-۸۳: صص ۲۸-۵۱
- در باب بلاغت / نامه فرهنگستان س ۲، ش ۳: صص ۱۵-۵۳
- درباره دکتر شیخ حسن عاملی و دکتر قاسم غنی // ایران‌شناسی ۸: صص ۱۹۹-۲۰۰
- ۱۳۷۶ بُزده / دانشنامه جهان اسلام ۳: صص ۴۳-۴۴
- بلاغت / دانشنامه جهان اسلامی ۳: صص ۷۱۷-۷۲۰
- تمه رساله مآخذ ابیات عربی مرزبان‌نامه / درخت معرفت: صص ۵۶۰-۵۸۱
- از علی آموز اخلاص عمل / گلستان، س ۱، ش ۱: صص ۲۳-۴۷
- یادداشتی بر مقاله «نکته‌ای در تأثیر کلام‌الله مجید بر شعر فردوسی از محمود امیدسالاری» / گلستان، س ۱، ش ۱: صص ۹۵-۱۱۱
- درباره برگزاری کنفرانس مولانا جلال‌الدین رومی / گلستان، س ۱، ش ۲: صص ۳-۷
- دیدار با سیمرغ، هفت مقاله در عرفان، شعر و اندیشه عطار [از تقی پورنامداریان] / گلستان، س ۱، ش ۲: صص ۲۰۷-۲۱۰
- جواهری، شاعر ایرانی تبار عرب / گلستان، س ۱، ش ۳: صص ۱۴۳-۱۴۶
- باز هم درباره پرگسترده / گلستان، س ۱، ش ۳: صص ۲۴۲-۲۴۵
- یادی از برخی مشاهیر نیم‌قرن اخیر / گلستان ۲: صص ۱۰۷-۱۱۶ / ۳: صص ۱۱۵-۱۳۲ / ۴: صص ۱۲۱-۱۳۶
- ۱۳۷۷

سالشمار زندگی و آثار ۲۱

- مسئله رؤیت (از محمدعلی امیرمعزی) / گلستان، س ۲، ش ۱، صص ۱۴۹-۴۶۱
مباحث کلامی در مثنوی شریف / گلستان، س ۲، ش ۲، صص ۶۵-۷۳
یادی از برخی مشاهیر نیم قرن اخیر ایران (وفیات معاصرین) / گلستان، س ۲،
ش ۱، صص ۸۴-۶۹ / س ۲، ش ۳، صص ۴۹-۳۳
مضامین مشابه شاهنامه و دیگر مراجع ادبی یا مذهبی پیش از فردوسی /
گلستان، س ۲، ش ۴، صص ۵۹-۴۵
درباره علامه محمد قزوینی / گلستان، س ۳، ش ۱: صص ۷-۶۱
یادی از برخی مشاهیر نیم قرن اخیر ایران (ادامه وفیات
معاصرین) / گلستان س ۳، ش ۱: صص ۱۲۹-۱۴۳ / س ۳، ش ۲:
صص ۱۷۳-۱۸۲
آخرین دیدار با عبدالحسین زرین کوب / گلستان، س ۳، ش ۲: صص ۷-۱۴
علامه قزوینی در تهران / گلستان، س ۳، ش ۳ و ۴: صص ۲۷-۳۴
آخرین سال های زندگی علامه محمد قزوینی / گلستان، س ۳، ش ۳ و ۴: صص
۱۹۵-۲۱۶
آخرین دیدار با عبدالحسین زرین کوب / بخارا، س ۲، ش ۷: صص ۲۱-۲۸
زرین کوب برگ زرین فرهنگ اسلامی و ایرانی / روزنامه اطلاعات، ۷
مهرماه
خاطراتی از کلاس درس استاد فروزانفر / بخارا ش ۱۱: صص ۳۶۲-۳۶۸
یادی از برخی مشاهیر نیم قرن اخیر ایران (ادامه وفیات معاصرین) / گلستان، س
۴، ش ۱: صص ۱۰۹-۱۲۶
گنج قناعت یا کنج قناعت؟ / کتاب ماه ادبیات و فلسفه ۷۰: صص ۳۶-۴۳
باز هم، همه گویند ولی گفته سعدی دگر است / ایران شناسی ۱۵:
صص ۶۹۹-۷۰۴
باز هم، همه گویند ولی گفته سعدی دگر است / سعدی شناسی ۶:
صص ۱۱۹-۱۳۴
داستان تشرف به حضور استاد بدیع الزمان / روزنامه اطلاعات، ۲۸ مهرماه
یادی از سال های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ ش و حزب وحدت ایران / بخارا ش ۳۹ و ۴۰:
صص ۲۹۹-۳۰۷

- محاكم قضایی در زمان قاجاریه / حافظ ۳: صص ۳۵-۳۰
- تاریخچه محضر و دفتر اسناد رسمی / حافظ ۷: صص ۲۰-۱۷
- همه گویند، ولی گفته سعدی دگر است / حافظ ۱۱: صص ۲۵-۲۲
- نگاهی دیگر به تاریخچه محضر و دفتر اسناد رسمی / حافظ ۱۲: صص ۸۱
- حافظ با یادداشت‌ها و حواشی دکتر قاسم غنی / حافظ ۱۳: صص ۶۸-۶۷ ۱۳۸۴
- ایوان مدائن در متون عربی / روزنامه اطلاعات، ۲۴ اسفندماه
- در سوگ علامه سیدجلال‌الدین آشتیانی / ویژه‌نامه بزرگداشت علامه آشتیانی
- در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص ۷۱-۱۱۲
- قرآن کریم، تاریخ و اهمیتش / روزنامه اطلاعات، ۲ مهرماه
- از علی آموز اخلاص عمل / روزنامه اطلاعات، ۱۶ مردادماه ۱۳۸۵
- ذکر جمیل رضوان جایگاه، شریف نبیل جلیل سیدجلال‌الدین محدث
- ارموی / هدیه بهارستان: صص ۳۸۷-۳۹۸ ۱۳۸۶
- مرگ چنین خواجه نه کاریست خرد؟ در سوگ سیدجعفر شهیدی / روزنامه
- اطلاعات، ۲۵ دی‌ماه
- یک دسته‌گل دماغ‌پرور / آئینه میراث ۳۹: صص ۲۴۱-۲۵۱
- از یادداشت‌هایی که در حاشیه دیوان حافظ چاپ مرحومان غنی و قزوینی
- نوشته‌ام / شاخه‌های شوق ۱: صص ۶۷۳-۶۵۵ ۱۳۸۷
- چراندۀ کرکس اندر نبرد / پاژ، س ۱، ش ۴: صص ۱۶۵-۱۷۰
- نجد و یاران نجد / بزرگداشت‌نامه شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، در انجمن
- آثار و مفاخر فرهنگی: صص ۲۱-۶۳ ۱۳۸۸
- رفتند راستان و... / روزنامه اطلاعات، ۱۹ فروردین‌ماه ۱۳۸۹
- یادی از برخی مشاهیر نیم‌قرن اخیر / روزنامه اطلاعات (ضمیمه فرهنگی) از ۶
- مرداد پنج شماره (هر یک هفته یک شماره)
- خضر نبی / دانشنامه جهان اسلام ۱۵: صص ۵۵۴-۵۶۰ ۱۳۹۰
- شمه‌ای از شرح درد اشتیاق و فراق حضرت ایرج افشار رحمه‌الله علیه / بخارا ش
- ۸۱: صص ۱۰۷-۱۱۶

- استاد مهدوی دامغانی بر آثار دیگران نیز مقدمه نوشته‌اند از جمله: تاریخ جمع قرآن کریم
تألیف دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی، بهشت گمشده ترجمه دکتر فریده مهدوی دامغانی؛ و
الوحشیات ابوتمام حبیب‌بن اوس طائی، چاپ عکسی میراث مکتوب.

- از سال ۱۳۸۳ مقالات چاپ شده استاد بیش از این آمار است، اما به دلیل مشخص نبودن محل دقیق چاپ مقالات برای راقم این سطور، صرفاً به نام تعدادی از آنها اشاره می شود: لحظاتی پس از سخنان پیغمبر اکرم در غدیر خم، مختصری در باب خاندان شریف حافظیان، اسلام و محیط زیست، چند خاطره مختصر از مرحوم راشد، و چند مقاله به زبان انگلیسی در ایرانیکا.

- استاد بزرگ به درخواست اینجانب دو مقاله ممتاز نوشته اند و در جشن نامه هایی که توسط این کمترین تدوین شده زیر چاپ است. یکی «نام های ایرانی در التدوین رافعی قزوینی» برای مروارید خلیج فارس (جشن نامه استاد احمد اقتداری) و دیگری «یادداشت هایی بر شاهنامه فردوسی» برای از هر چمن گلی (جشن نامه دکتر سید محمد دبیرسیاقی) که با همکاری دوست دانشمندم، صفویه شناس ممتاز، پروفیسور رودی مته در نشر گستره مراحل نهایی چاپ را می گذراند.



شادباش و دیرزی استاد علامه

بهاء‌الدین خرمشاهی

جناب مهدوی دامغانی ما را همیشه داشته‌ای آن رفیق اعلی را فرامش ار کنی از دل بی‌پرس فتوا را «به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را»^۱ به جذبه‌ای بر بایی جمیع دل‌ها را چو کودکش نتوان وعده داد فردا را که یادگار منست آن خط چلیپا را اگر چه پیشه کنی راه و رسم عنقا را ولو ندیده به چشم آن رخ پریسا را به حق دوست ز خاطر میر مدارا را نهفته بودم این مهر آشکارا را توان به بوی تو طی کرد ینگه دنیا را

صبا به لطف بگو آن حکیم دانا را رفیق من شده‌ای از فروتنی وانگه دلم گره به دلت خورده است و می‌دانی مگر به صرف ارادت دل تو صید شود به فرض آنکه دل آهن شود، چو مغناطیس برای دیدنت امروز دل بهانه گرفت اگر به خط تو دستم رسد به دیده نهم به داد دوست رسی همچو شیوه سیمرغ هزار عاشق دلخسته‌تر ز من داری منم به دوستی‌ات دشمن سلامت خویش نگفته بودم این محنت محبت خویش «من أستطاع سبیل»^۲ اگر اجازه دهد

۱. مصراع از حافظ.

۲. عبارت قدسیه قرآنی با حذف کلمه «الیه» قبل از «سبیل» (آل عمران (۳): ۹۷).

که خواب و خور نشناسم، نه خار و خار را
چرا که می شنوم بویی از بخارا را
که قول من برد از یادها نکیسار را
کنم مرکب هر نامه هفت دریا را
بصیرت آرد یعقوب ناشکیبا را
به لطف خویش ببخش این بضاعت ما را
که «یاد دار محبان بساد پیما را»^۴
که نامه‌ای برساند به ساحت یسار

«جمال کعبه چنان می دواندم به نشاط»^۱
بدون موزه نهم پای خویشتن به رکاب
چنان به یاد سرکوی تو غزل خوانم
«کتبت قصه شوقی و مدمعی باکی»^۲
همیشه پیک ز سوی تو پیرهن آرد
عزیز مصرّ تو با علم و حلم خویش شدی
«من المبلّغ عتی الی سعاد سلام»^۳
تفقدی چو سلیمان ز هدهد خود کن

دوستدار و دعاگو

تهران، سی ام اردیبهشت ۱۳۹۰

۲. مصراع از حافظ.

۱. مصراع از سعدی.

۳. مصراع از حافظ با حذف «ی» در کلمه سلام.

۴. مصراع از حافظ در غزلی دیگر، که در آغاز آن به جای «که» در اصل «به» آمده است.

**نقد و بازبینی منشور وحدت اسلامی
بررسی برنامه‌های احیاگران و «تقریب»
(نمونه: برنامه شهید مرتضی مطهری)**

محمدعلی آذرشب

احیاءگری و تقریب

برنامه احیاءگری بنا به علل زیر در پیوند با «تقریب» قرار دارد:

۱. جامعه پویا، همواره در حرکت به سوی ایده‌آل‌های بزرگ و اهداف بزرگ است و به همین دلیل، مسائل فرعی در نظرش کوچک می‌آید.
۲. جامعه پویا و زنده، همچون جسم زنده‌ای است که اجزای آن در پیوند ارگانیک با یکدیگرند و هماهنگ با هم عمل می‌کنند؛ درست برخلاف جسدی که مرگ به تار و پودش رخنه کرده است. مراد از مرگ نیز، مرگ تمدنی است.
۳. همه احیاءگران در تاریخ قدیم و معاصر، دعوت‌گران به وحدت نیز بوده‌اند و این نشانگر پیوند هر دو گفتمان احیاءگرانه و «تقریبی» با یکدیگر است.
۴. گفتمان احیاءگرانه، فراتر از چارچوب مذهبی می‌رود و برتر از گفتمان فرقه‌ای است و همه مسلمانان را با هر مذهبی که دارند، دربر می‌گیرد.

پیشنهادهایی برای «منشور وحدت اسلامی»

با توجه به توضیحاتی که در خصوص پیوند احیاءگری با «تقریب» ارائه شد، پیشنهاد می‌کنم عبارت زیر در بخش «چشم‌اندازها»، درج شود:

«کوشش در بررسی و مطالعه برنامه‌های احیای اسلامی گذشته و معاصر و توجه به گرایش‌های «تقریبی» ایشان و تبدیل این گرایش به فرهنگ عمومی».

تأملی در نگاه «تقریبی» شهید مطهری

با توجه به آنچه در پیوند احیایگری با «تقریب» یاد کردم و به دلیل حضور هر دو گفتمان احیایگرانه و تقریبی در اندیشه‌های شهید مطهری و به دلیل تأکید اخیر مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، بر مطالعه میراث شهید مطهری، تأمل کوتاهی در دو جنبه احیایگرانه و «تقریبی» استاد شهید مرتضی مطهری خواهم داشت.

عرضه اسلام به زبان روز

استاد مرتضی مطهری وظیفه خود را ارائه و عرضه اسلام به زبان زمانه می‌دانست؛ به عبارت دیگر، او اصالت و همراهی با زمانه را با هم جمع کرد، چه بدون چنین جمعی، گرایش فکری در جامعه اسلامی به یکی از دو راه می‌انجامید: انزوا، عقب‌ماندگی و دوری از روح زمانه یا تحریف اسلام به نام پیشرو بودن و دیگری پروتستانیسم؛ استاد شهید در هشدار به پیشگامان نهضت اسلامی به همین نکته اشاره دارد و می‌گوید:

من به‌عنوان فردی که احساس مسئولیت الهی می‌کند، به رهبران بزرگوار نهضت اسلامی هشدار می‌دهم و حجت را میان خود و پروردگار جهانیان تمام می‌کنم و به ایشان می‌گویم گسترش اندیشه‌های غربی و التقاط آنها به نام اندیشه اسلامی و اعطای انگ و رنگ اسلامی به آنها - اعم از اینکه با سوءنیت یا بدون سوءنیت صورت گرفته باشد - خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند، شیوه رویارویی با این خطر نیز در منع و هشدار و... نیست؛ مگر می‌شود تشنگان آب را به بهانه آلوده بودن آب، از آشامیدن آن منع کرد؟! این مسئولیت نهاده شده بر عهده ماست که کتاب‌هایی به زبان روز در عرصه‌های مختلف اسلامی ارائه دهیم؛ ما اگر آب زلال و گوارا را به مقدار کافی بر آنان عرضه کنیم، به سراغ آب آلوده نخواهند رفت.

شیوه رویارویی، عرضه صحیح مکتب اسلام در همه زمینه‌ها و به زبان معاصر است؛ حوزه‌های علمیه ما که امروزه سرشار از فعالیت‌های اجتماعی است، باید به مسئولیت‌های بزرگ علمی و فکری خود توجه کنند. باید فعالیت‌های علمی و فکری خود را ده‌ها برابر سازند. باید بدانند که بسنده کردن به مطالعات فقهی و اصولی رسمی، نیازهای نسل معاصر را برآورده نمی‌سازد.^۱

۱. مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، ص ۷۵.

استاد شهید، فعالیت فکری و فرهنگی خود را برای احیای دین در جامعه این‌گونه خلاصه می‌کند. مصداق آن را نیز در مقالات و کتاب‌های تألیفی و سخنرانی‌هایی که ایراد کرده است، می‌بینیم؛ ایشان به همه نیازهای جامعه فکری پاسخ گفت و فلسفه عمیق اسلامی را با تدوین توضیح و تفسیر کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم (در پنج جلد) آغاز کرد و به نوشتن داستان‌های تربیتی ساده‌ای برگرفته از سیره و تاریخ اسلام در کتاب داستان راستان در دو جلد، پایان داد. استاد شهید مرتضی مطهری توانست مسائل فلسفی را با پرداختن به واقعیت اجتماعی مطرح سازد و کتاب‌هایی چون علل گرایش به مادی‌گری و عدل الهی را ارائه دهد و خطوط کلی دیدگاه اسلام نسبت به هستی و زندگی را در چندین کتابی که به موضوع توحید و نبوت و رستاخیز می‌پردازند، مطرح سازد. ایشان درس‌هایی در علوم اسلامی از جمله عرفان، فلسفه، منطقی و کلام نیز به نگارش درآورد و در کتاب‌های متعددی به مقابله با نظریه ماتریالیستی و تفسیر مادی تاریخ و جامعه، پرداخت و در چندین کتاب و مقاله، موضوع زن را مورد بررسی قرار داد و در تفسیر قرآن و پیوند قرآن با زندگی، درس‌ها و سخنرانی‌ها و مقالاتی ارائه کرد. او در توضیح مفاهیم اسلامی و بیان انحرافات که گریبانگیر این مفاهیم شده نیز ید طولایی دارد. همه این تلاش‌ها و کوشش‌ها بیانگر کوشش پیگیری است که نزدیک به سی سال در جمع میان «اصالت» و «همراهی با زمانه» برای احیای اسلام در جامعه‌ای که نیروهای شرّ و گمراهی و انحراف از هر سو آن را دربر گرفته و از مسیر اسلامی صحیح دورش ساخته بودند، به کار برد.

وحدت امت در گفتمان شهید مطهری

مسئله نزدیکی (تقریب) مذاهب اسلامی و وحدت امت، گستره بزرگی از فعالیت‌های فکری، تبلیغی و عملی شهید مطهری را دربر می‌گیرد؛ این پدیده در شخصیتی که احیای امت را وجهه همت خود قرار داده، کاملاً طبیعی است.

نگاه کوتاهی به مهم‌ترین محورهای گفتمان شهید مطهری در این عرصه می‌افکنیم:

محور نخست - توجه به گفتمان وحدت در قرآن کریم است. ایشان در سخنان و نوشته‌های خود، آیاتی از کتاب خدا در تأکید بر وحدت صف اسلامی را تکرار می‌کند:

واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا^۱ (و همگان به ريسمان خداوند بياویزید و مپراکنید).

ولا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئك لهم عذاب عظيم.^۲

۱. آل عمران(۳): ۱۰۵.

۲. آل عمران(۳): ۱۰۳.

(و مانند کسانی نباشید که پراکندند و پس از آنکه گواه‌ها برای آنان آمد، اختلاف کردند و آنان را عذابی سترگ خواهد بود).

ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم.^۱ (و در نیفتید که سست شوید «بترسید» و شکوهتان از میان برود).

انما المؤمنون اخوة.^۲ (جز این نیست که مؤمنان، برادرند...).

و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا...^۳ (و اگر دو دسته از مؤمنان جنگ کنند...).

و از آیه «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر»^۴ (و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فرامی خوانند و...) یاد می‌کند و بر آن است که دعوت و فراخوانی در این آیه، به مطلق نیکی (خیر) است و مهم‌ترین خیر نیز، فراخواندن به وحدت اسلامی است.^۵

محور دوم - بیان سیره پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) در پاسداری از وحدت امت: درباره سیره پیامبر اکرم(ص)، اهتمام آن حضرت به عقد برادری میان مهاجرین و انصار را ذکر می‌کند که تا مدت‌ها، (این برادران) از یکدیگر ارث هم می‌برند؛ آن‌گاه به سخن در سیره و زندگی امیرالمؤمنین علی(ع) در همین چارچوب می‌پردازد (زیرا مخاطبان وی معمولاً شیعه هستند) و همواره بر آن بود که به این مخاطبان بگوید: «اگر واقعاً شیعه علی هستید، باید بیش از دیگران به وحدت امت توجه داشته باشید» و بدین ترتیب به آن گروه از کسانی پاسخ می‌دهد که از ولایت اهل بیت، خاستگاهی برای تفرقه میان مسلمانان، ساخته‌اند.

در سیره حضرت علی(ع)، مواضع آن حضرت نسبت به خلفا در حفظ وحدت امت و نیز همکاری خالصانه با ایشان در راستای صیانت اسلام و جامعه اسلامی را خاطر نشان می‌سازد، از جمله توصیه ایشان به خلیفه دوم که در فتح ایران با لشکریان همراه نشود تا مبادا کشته شدنش، دشمن را گستاخ و روحیه ارتش آنها او را بالا ببرد. همچنان‌که به موضع ابوسفیان که علی(ع) را تشویق به قیام علیه ابوبکر می‌کرد و چنین وانمود می‌ساخت که او به حقانیت علی در خلافت ایمان دارد و نیز موضع علی(ع) در نفی قاطع این حرکت و تأکید آن حضرت بر توجه و اهتمام به سلامت اسلام، اشاره می‌کند.

پس از آن استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید:

به نظر می‌رسد که دستان امثال ابوسفیان، همچنان در کار تفرقه‌انگیزی میان مسلمانان و تظاهر به دوستی با اهل بیت است!! و نسبت به چنین دست‌هایی هشدار می‌دهد و

۱. انفال(۸): ۴۶.

۲. حجرات(۴۹): ۱۰.

۳. حجرات(۴۹): ۹.

۴. آل عمران(۳): ۱۰۴.

۵. یادداشت‌های استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۷، صص ۴۱۸-۴۱۹.

بر ضرورت توجه به شیوه و سیره حضرت علی (ع) در رفع شرّ این تفرقه‌انگیزان، انگشت می‌گذارد.^۱

ایشان در کتاب سیری در نهج‌البلاغه، بر موضع حضرت علی (ع) نسبت به وحدت امت و فداکاری‌هایی که در این راه به عمل آورد، تأکید می‌کند؛ بی‌مناسبت نیست عبارتی از وی را که بیانگر رویارویی تقریبی‌های احیاگر از یک‌سو، با تفرقه‌انگیزان متحجر از دیگر سو در زمان اوست، نقل کنم:

علی، فدای وحدت اسلامی شد؛ چه کسی به اندازه علی برای وحدت، حرمت و پایبندی به خرج داد؟ دیگران اهل فصل بودند و او اهل وصل. متأسفانه می‌بینیم که امروز کسی بالای منبر می‌رود و می‌گوید: بحمدالله از آغاز زندگی، همواره مخالف وحدت اسلامی بوده‌ام. خدا امثال تو را نیافریند مرد! مگر نشنیده‌ای آیه قرآن را...^۲

و در ادامه آیاتی را که به وحدت فرامی‌خوانند و از اختلاف نهی می‌کنند، یادآوری می‌کند.

محور سوم - بیان چند و چون دعوت اسلامی: استاد شهید مرتضی مطهری به دلیل گفتمان ملی و فرقه‌ای که در آن زمان رایج و متداول بود، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خویش بر آن تأکید می‌کند. در سخن از جهان‌شمولی اسلام، درنگ می‌کند و مواضع قرآن و سیره نبوی را نسبت به چارچوب‌های ملی و طایفه‌ای و هر چارچوب دیگری که میان مسلمانان جدایی افکند، مطرح می‌سازد. همچنین گفتمان غربی خطاب به ایرانیان درباره اسلام را که مدعی است اسلام برای ایرانیان بیگانه است و به لحاظ ملی یا زبانی و فرهنگی پیوندی با آنها ندارد، مطرح می‌کند و در بسیاری از کتاب‌های خود به آن پاسخ می‌دهد و بر جهان‌شمولی فراخوان اسلام و بنیادهای انسانی آن تأکید کرده و یادآور می‌شود که آیا می‌شود مسیحیتی را که اینک غرب بدان متدین است و از فلسطین نشئت گرفته، با غربیان بیگانه دانست؟!

آن‌گاه با بهره‌گیری از آیات قرآنی و سنت شریف نبوی، بنیادهایی را که اسلام در ارزیابی انسان بر آنها استوار شده، مطرح می‌کند:

... ان اکرمکم عندالله اتقاکم...^۳

... بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست...

ای گروه قریش! حسب و نسب آدمی، دین و مروت وی، اخلاق و ریشه و اصل وی، عقل اوست و بدانید که عربی، زبانی گویاست ولی پدر [یا اعتبار] کسی به شمار نمی‌آید و هر کس در عملش کوتاهی کرد، حسب و نسب، به کارش نمی‌آید.^۴

۱. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، صص ۱۸-۲۰.

۲. مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۳۰۷.

۳. حجرات (۴۹): ۱۳.

۴. رک. مرتضی مطهری، خدمات متقابل ایران و اسلام، صص ۶۲-۶۹.

محور چهارم - حج و وحدت مسلمانان: استاد شهید مرتضی مطهری، یک کتاب خود را به سخن درباره حج اختصاص داد که همه آن درباره نقش حج در تثبیت وحدت مسلمانان و مفاهیم نهفته در مناسک حج از جمله وحدت صف مسلمانان، تحکیم همدلی ها و از میان برداشتن تفاوت های قومی، مذهبی و طبقاتی است. او بر آن است که اقتضای سنت رسول خدا (ص) ایجاب می کند همه چیز در حج در خدمت به وحدت مسلمانان و احساس برادری آنان قرار گیرد؛

چه پیامبر خدا (ص) از این فرصت برای اعلام این شعار بهره گیری کرد:

ای مردم، پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است و همگی از آن آدم و آدم نیز از جنس خاک است؛ گرامی ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست و هیچ عربی بر غیر عرب برتری ندارد مگر به تقوا.^۱

و از علی (ع) سخنی درباره حج را مطرح می سازد:

خداوند سبحان، آن را نشانه ای (عَلَم) برای اسلام قرار داد.^۲

و «عَلَم» را پرچمی معنا می کند که مدافعان مجموعه امت به گرد آن جمع می شوند و سمبل زندگی جمعی و بقا و قدرت و مقاومت آن [در برابر دشمنان و موانع وحدت] است و اگر این پرچم بر زمین افتد، نشانه سقوط و فروپاشی است.

از امام جعفر صادق (ع) این سخن را درباره حج نقل می کند که فرمود: «در حج، اجتماعی قرار دارد که از شرق و غرب بدان روی می آورند تا با همدیگر آشنایی پیدا کنند». و به توضیح مناسک حج - یک به یک - می پردازد و یادآور می شود که همه این مناسک، معنایی در راستای تحکیم مفهوم جماعت و امت واحد در اسلام، دارند.^۳

محور پنجم - نفی مقوله (یا همه آنچه را دارم می پذیری یا همه را رد می کنی)، این عبارت استاد شهید مرتضی مطهری در واقع بیان دیگر مقوله (در موارد اتفافی، همکاری می کنیم و در آنچه اختلاف داریم یکدیگر را معذور می داریم) است.

او به نقل نظر مخالفان وحدت اسلامی می پردازد که می گویند وحدت به معنای کوتاه آمدن از باورهاست؛ آنها توحید مذاهب (یکی ساختن مذاهب) و وحدت امت در چارچوب اسلامی را با هم درمی آمیزند و توضیح می دهد که وحدت به معنای همکاری در گستره مشترکات - که خیلی هم زیاد هستند - و حفظ دیدگاه های خاص هر مذهب برای خویش است و مثال هایی از زندگی حضرت علی و اهل بیت (ع) می آورد که آنها دیدگاه های ویژه خود را داشتند ولی این امر مانع از آن نبود که بگویند «به خدا سوگند مادام که امور مسلمانان به سامان باشد و ستمی جز بر

۱. تحف العقول، ص ۳۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳. رک. مرتضی مطهری، حج، صص ۶۸-۶۷، ۷۹، ۸۰-۸۱.

خود من نباشد، تسلیم خواهم بود».^۱ و نیز این گفته مولای متقیان علی (ع) را نقل می‌کند که فرمود: «هرکس که یکی از خوی‌های نیک در وی ریشه داشته باشد، او را بدان گیرم و هر آنچه جز آن را، بروی می‌بخشایم ولی نداشتن عقل و دین را نمی‌بخشم». استاد شهید مرتضی مطهری سعی کرد در برنامه فکری خود، ایده وحدت جان‌های انسانی - الهی را تثبیت کند و همواره از تبدیل «من» به «ما» گفت و بر آن بود که این تبدیل، یکی از اهداف مصلحان بزرگ تاریخ بوده است. او در دریای تاریخ و ادبیات به جست‌وجو می‌پردازد تا آنچه در تأیید سخنان خود می‌یابد، استخراج و چاشنی سخنان و نوشته‌هایش کند تا بر جان‌ها مؤثرتر افتد. در این موضوع از مولانا جلال‌الدین رومی شاهد مثال می‌آورد که عرفانش بر اساس وحدت جان‌ها و از میان برداشتن هر آن چیزی است که مانع از دوستی و وحدت و همدلی آنها می‌شود، از جمله:

جان گرگان و سگان از هم جداست	متحد جان‌های شیران خداست
همچو آن یک نور خورشید سما	صد بود نسبت به صحن خانه‌ها
لیک یک باشد همه انوارشان	چون که برگیری تو دیوار از میان

محور ششم - عواطف انسانی و وحدت: استاد شهید مرتضی مطهری بر آن است که انسان ذاتاً گرایش به فردیت خود دارد و این گرایش معمولاً با گرایش‌های فردی دیگران برخورد می‌کند و به نزاع افراد با یکدیگر می‌انجامد؛ گو اینکه عوامل دیگری وجود دارد که به این درگیری و نزاع خاتمه می‌بخشند؛ این عوامل یا «مصلحتی» هستند یا «مکتبی».

عوامل مصلحتی، گروه‌های همکار را در یک تعاونی و یا شرکت تجاری یا اقتصادی، گرد هم می‌آورد که هر یک از این شرکاء، مصلحت خود را در پیوند با مصلحت دیگر شرکا می‌بیند، بنابراین در چارچوب تحقق این مصلحت، با یکدیگر همکاری می‌کند؛ می‌توان چنین همکاری را تعاون و نه «همیاری و همدلی» نامید. همدلی و همیاری در صورتی است که مردم بر اساس رسالتی از جمله مصلحت ملی یا قومی، گرد هم آیند؛ گو اینکه در تاریخ جز برنامه دینی، برنامه مصلحتی - رسالتی دیگری افراد را به یکدیگر نزدیک و همدل و همیار، ساخته است.

آن‌گاه استاد شهید مرتضی مطهری مثال‌هایی از همدلی و همیاری مسلمانان در سایه رسالت اسلام، در دوران نخست آن را یادآور می‌شود و متونی از سیره صحابه و از سیره امام علی (ع) نقل می‌کند که گویای توانایی دین در اعتلای هم و غم مردم در حد هم و غم یک امت است، به گونه‌ای که امام علی (ع) می‌فرماید:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۷۴.

و شایسته نیست که با شکم پر، خواب را بر خویشتن، خوش و شیرین سازم ولی پیرامونم شکم‌های گرسنه و جگرهای تشنه پیوسته با آه و ناله و آهنگ ناامیدی، بخوابند و هیئات آن‌چنان باشم که سراینده [حاتم طایی معروف] گفته است:

درد و اندوه همین قدر تو را بس که شب را با شکم پر بخوابی و پیرامونت کسانی باشند که جگرشان برای آب و نانی، لک می‌زند.^۱

آیات متعددی بیانگر تأکید قرآن مجید بر این الفت و همدلی و اهمیت آن است، از جمله:

... و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها...^۲

... و در لبه پرتگاهی از آتش بودید که شما را از آن رهانید...^۳

لو انفقت ما فی الارض جمیعاً ما آلت بین قلوبهم ولكن الله الف بینهم انه عزیز حکیم.^۳

اگر همه آنچه را در زمین است می‌بخشیدی، میان دل‌های آنها پیوستگی نمی‌دادی اما خداوند ایشان را با هم پیوستگی داد، بی‌گمان او پیروزمندی فرزانه است.^۴

محور هفتم - وحدت و زندگی: در این محور استاد شهید مرتضی مطهری برداشت تمدنی از وحدت را مطرح می‌سازد و بر آن است که مأموریت یا رسالت اسلام، احیای زندگی (بخشی) است:

یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم.^۵

ای مؤمنان، «ندای» خداوند و پیامبر را هرگاه شما را به چیزی فراخواند که به شما زندگی می‌بخشد، اجابت کنید و بدانید که خداوند میان آدمی و دل او میانجی می‌شود...^۶

و بر آن است که طبیعت، جسم زنده و هم‌پیوندی و همیاری و به هم پیوستگی ارگانیک اندام‌های مختلف آن با یکدیگر است و گفته پیامبر اکرم (ص) نیز گویای همین نکته است: «مثال مؤمنان در دوستی و محبت و مهربانی با یکدیگر، همچون تنی است که چون عضوی از آن شکوه کند، دیگر اعضای تن، بی‌قراری می‌کند [چو عضوی به‌درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار].^۶

استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید:

یکی از نشانه‌های زندگی و پویایی در جامعه، وجود همبستگی و همدلی میان افراد آن است؛ ویژگی‌های مرگ و ایستایی، پراکندگی و تفرقه و جدایی اعضا و اندام‌ها از یکدیگر و خاصیت زندگی در جامعه، همبستگی و اتحاد میان اغلب اعضا و اندام‌های آن است. آیا امروزه جامعه اسلامی، جامعه زنده‌ای است یا جامعه مرده؟ با توجه به درگیری‌هایی که مشاهده می‌کنیم و جنگ‌ها و نزاع‌های داخلی که مشغول آن‌اند و فرصت‌هایی که برای

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. آل عمران (۳): ۱۰۳.

۳. انفال (۸): ۶۳.

۴. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، صص ۱۶۶-۱۷۱.

۵. انفال (۸): ۲۴.

۶. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۵۵.

دشمنان خود در تسلط بر مقدرات و سرنوشت خود فراهم می‌کنند، می‌توان گفت که جامعه مرده‌ای است!^۱

محور هشتم - عشق و وحدت: عشق، صرف‌نظر از اینکه غریزی باشد یا روحی و روانی، آدمی را از حصار خویش بیرون می‌برد؛ ذات خویش، زندان و حصار آدمی است و عشق به دیگری، این حصار را فرومی‌ریزد؛ انسان منزوی در خود و فرورفته در خویشتن، احساسات دوستی و عشق نسبت به دیگری، ندارد؛ انسان بزدل و متکبر و خودخواه و مغرور و سنگدلی است که در روحش کمتر نور امیدی یافت می‌شود و هرگاه عشق وارد آن شود، جوهر انسان را دگرگون می‌سازد و او را عنصر نازک‌دل، تیزبین، هوشیار و پرجنب و جوشی می‌سازد. مولانا نیز می‌گوید:

از محبت تلخ‌ها شیرین شود از محبت مس‌ها زرین شود^۲

استاد شهید مرتضی مطهری به رابطه میان مرد و زن [زن و شوهر] از این دیدگاه می‌نگرد. این پیوند، شهوانی محض نیست، چه، پیوند شهوانی، خودپرستی را تحکیم می‌بخشد حال آنکه پیوند زن و مرد (همسران) بسی والاتر از آن است و آن‌چنان‌که خداوند متعال در قرآن مجید می‌گوید، پیوند دوستی و مهربانی و محبت است:

و من آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها وجعل بینكم مودة ورحمة.^۳
و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما دلبستگی پایدار و مهر پدید آورد.^۴

استاد شهید مرتضی مطهری از این محور نتیجه‌گیری می‌کند که کاستی عاطفه و عشق و دوستی در دل‌ها، عامل تفرقه و پراکندگی است؛ حال آنکه عشق و دوستی و مهر، دل‌ها را نرم کرده، عواطف را صیقل می‌دهد و خوی‌ها را پیرایش می‌کند و متفرقان را گرد هم می‌آورد.

محور نهم - عدل و احسان و وحدت: استاد شهید در این آیه قرآنی به تأمل می‌نشیند:
ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ابتاء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء و المنکر و البغی.^۵
به راستی خداوند به دادگری و نیکی کردن و ادای «حق» خویشاوند، فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و افزون‌جویی باز می‌دارد.

و بر آن است که افراد بشر به لحاظ عواطف اجتماعی، دارای سه حالت‌اند: «عدل»، «احسان» و «بی‌انصافی و ستمگری».

۱. مرتضی مطهری، احیای تفکر اسلامی، صص ۲۳-۲۴.

۲. یادداشت‌های استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۹، صص ۲۷۸-۲۷۹.

۳. روم (۳۰): ۲۱.

۴. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۶، صص ۷۸-۷۶.

۵. نحل (۱۶): ۹۰.

با «عدل»، مردم بر اساس حفظ حقوق یکدیگر با هم برخورد می‌کنند؛ پاسدار حقوق خویش هستند و به حقوق دیگران نیز تجاوز نمی‌کنند؛ با «احسان»، مردم بر اساس ایثار و فداکاری برخورد می‌کنند و به خاطر دیگران، از حقوق خویش صرف‌نظر می‌کنند و از اموال و موقعیت و آسایش خود برای یاری رساندن به نیازمندان، هزینه می‌کنند. ولی بدون عدل و احسان، چیزی جز «ستمگری و بی‌انصافی» نخواهد بود. ستمگری یا تعبیر قرآنی آن «بغی»، آن است که انسان به حقوق دیگران تجاوز کند.

استاد مطهری با لحن تندی می‌گوید:

اگر نگاهی به جوامع اسلامی خویش اندازیم، می‌بینیم نحوه برخوردهای رایج، براساس «بغی» یعنی بی‌انصافی و ستمگری است؛ جوامع ما سرشار از آزار و اذیت دیگران است، گویی گرفتار سادیسم هستیم! سخن شایعی است که گفته می‌شود غربی‌ها، عقل و منطق دارند و ما شرقی‌ها، عاطفی هستیم، هرگز!! اگر از عاطفه اجتماعی برخوردار بودیم، این روابط خفقان‌آور و این خودخواهی‌ها و خودپرستی مزمن در ما وجود نداشت؛ به یکدیگر دروغ می‌گوییم و گاه تظاهر به سخاوتمندی می‌کنیم و ضیافت می‌دهیم ولی از ستم کردن به کسانی که تحت تکفل ما هستند یعنی به همسر و کودکان و خدمتکاران خود، ابایی نداریم.^۱

این شدت لحن، نشان از آن دارد که استاد شهید از دوگانگی‌های شخصیت [افراد] در جامعه و نمودهای فراموش شده اهداف انسانی که انسان به خاطر آنها آفریده شده است، به شدت ناخرسند و در رنج بود.

او که احیای است که می‌خواهد انسان برای اهداف بزرگ‌تر و والاتر از منافع شخصی خود زندگی کند - اهدافی که آنان را وحدت بخشد - والایی دهد و عمر و زندگی‌شان را شکوه و پاکی بخشد، چرا دردمند نباشد و بی‌تابی نکند!

۱. یادداشت‌های استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۷، ص ۴۱۸.